

با تاکسیران جوانی که مروج کتاب و کتابخوانی است
بهانه کتاب نخواندن را از همه گرفته‌ام


مریم خباز
جامعه

یك پراید زرد قناری با پلاك ۱۶ که متعلق است به قم هر روز صبح که استارت می‌زند، نزدیك به صد کتاب را در محله‌های مختلف شهر می‌چرخاند به یك امید. این پراید یک تاکسی است و این تاکسی، «تاکسی کتاب». راننده «تاکسی کتاب» می‌خواهد مردم کتابخوان شوند و کتاب بشود جزیی از زندگی‌شان، نه غریبه‌ای در شهر. کتاب‌های این تاکسی فصل‌ها که تغییر می‌کند عوض می‌شود و کتاب‌های تازه جای کتاب‌های قدیمی‌تر را می‌گیرد تا به این طریق کرشمه کتاب چشم مردم را بگیرد و با آن اخت شوند. محمد اسودی، جوان ۳۳ ساله اصالتا تبریزی که متولد قم است چهارسال است که هم رانندگی می‌کند و هم فرهنگسازی؛ به اعتبار اعتقاداتش که خیلی‌ها درآن جای می‌شوند، از دوستداران کتاب و بچه‌ها و زنان باردار گرفته تا کسانی که احیانا پولی در جیبشان نیست. دراین گفت‌وگو او درباره خودش بیشتر گفته است.

شما هم دارید یکی از تاکسیران‌های معروف این کشور می‌شوید، عکس داشبورد تاکسی شما بارها دیده شده و در فضای مجازی همچنان دست به دست می‌شود. تاکسی کتاب شما چند ساله است؟

روز دهم مهر امسال چهارساله شد. به همین مناسبت کارت پستال چاپ کردم و به مسافران هدیه دادم.

چهارسال پیش در این روز چه اتفاقی افتاد که تاکسی کتاب متولد شد؟

من همیشه به کتاب علاقه داشتم و اهل مطالعه بودم. بعد از این که شغلم تاکسیرانی شد، چند کتاب با خودم داخل ماشین آوردم تا هر وقت خواستم استراحت کنم یا فراغتی داشتم، بخوانم. این وضع ادامه داشت تا روزی که دو مهندس از تهران به قم آمدند و من حدود ده روز از صبح تا عصر راننده‌شان بودم و گاهی باید چند ساعت منتظرشان می‌ماندم. این وقت آزاد باعث شد تا بیشتر با خودم کتاب بیاورم و بخوانم. این ده روز که گذشت کتاب‌ها همچنان روی داشبورد بودند و برخی مسافران که سوار می‌شدند آنها را برمی‌داشتند و ورق می‌زدند. در واقع واکنش مردم به بودن کتاب داخل ماشین مثبت بود و به این نتیجه رسیدم که می‌شود با این کتاب‌ها یك تاکسی متفاوت درست کرد چون خودم نیز همیشه دوست داشتم آدمِ متفاوت خوبی باشم. بنابراین روی دو برگه A4 متنی با مضمون ترویج فرهنگ مطالعه تایپ کردم و درجلو و عقب ماشین نصب کردم تا این که به تاکسیرانی رفتم و اعلام کردم می‌خواهم تاکسی کتاب ایجاد کنم. البته تاکسی کتاب اوایل کار ضعیف بود، ولی به‌تدریج و با همکاری دوستانی که دوستی‌مان از همین تاکسی شروع شده بود، به تاکسی تروتمیز امروزی تبدیل شد.

تاکسی متفاوت یك راننده متفاوت هم می‌خواهد. رفتارتان با مسافرها چطور است؟

در بیشتر تاکسی‌ها حرف‌های روزمره مثل گرانی و مشکلات زده می‌شود که من این را دوست ندارم. مسیرهای قم هم چندان طولانی نیست که بشود در آن با کسی گرم بگیری و به یك نقطه مشترك برسی، اما اگر کسی از من سوالی بکند با خوشرویی جواب می‌دهم.

اهل سلام و علیك هستید؟

طبق فرمایش پیامبر(ص) که سواره باید به پیاده سلام کند، من تقریبا همیشه به مسافرها سلام می‌کنم، اما شاید هم بوده زمان‌هایی که به دلیل مشغله ذهنی این کار را نکرده‌ام.

کار تاکسی کتاب با چند کتاب شروع شد؟

با شش یا هفت جلد.

چه جور کتاب‌هایی؟

من تاریخ و رمان زیاد می‌خوانم برای همین کار با همین کتاب‌ها شروع شد.

برای راه‌اندازی تاکسی کتاب از کسی الگوبرداری کردید مثلا از کتابرانه، تاکسی باغی یا تاکسی شادی؟

قبل از این که شغلم تاکسیرانی بشود جایی خواندم در ایتالیا ماشین‌هایی هست که دولت تجهیزشان می‌کند و به‌عنوان تاکسی کتاب در نقاط شلوغ شهر به افراد کتاب می‌دهد. این موضوع همیشه در ذهن من بود تا وقتی که راننده تاکسی شدم و آن را عملی کردم.

واکنش همکارانتان به این کار چه بود؟

در هر جامعه‌ای آدم‌های متفاوتی وجود دارند، شاید بشود گفت نصف به نصف موافق و مخالف هستند.

آنهایی که مخالف هستند چه می‌گویند؟

یکی از آنها که بیش از دیگران اذیتم کرد، می‌گفت تو جوانی، کله‌ات داغ است، تو مردم قم را نشناخته‌ای، می‌گفت تو نمی‌فهمی و چند روز که واکنش مردم را ببینی، رها می‌کنی و مثل ما می‌شوی. یکی دیگر از همکاران هم می‌گفت مردم نان ندارند تو در چه فکری هستی، می‌گفت تو از کجا حمایت می‌شوی. بعضی‌ها فکر می‌کنند من از ارگان خاصی پول می‌گیریم در حالی که تاکسی کتاب کاری کاملا ارادی است و تماما عشق است و عشق، اول به کتاب و دوم به مردمی که در خدمتشان هستم.

شما چه جوابی به همکاران می‌دادید؟

گفتم شما چند سال آن طوری امتحان کردید، حالا من هم چند سال این طوری امتحان می‌کنم.

حالا بعد از چهارسال از فعالیت تاکسی کتاب موضع این آدم‌ها عوض نشده؟

این افراد معمولا گذری هستند و در آن مقطع حرفشان را زدند و رفتند.

پس تاکسی خطی نیستید؟

نه من تاکسی گردشی هستم و بیشتر در محدوده زنبیل آباد کار می‌کنم.

و خودتان اهل کدام محله‌اید؟

اهل شیخ‌آباد. این محله و اطرافش هنوز بافت سنتی‌اش را حفظ کرده و می‌توانی بروی در خانه همسایه و چند دانه پیاز قرض بگیری. درست است که من در بالای شهر قم کار می‌کنم اما بعد از چند سال کار به این نتیجه رسیده‌ام که زندگی در هیچ جای شهر به اندازه شیخ‌آباد و اطرافش جریان ندارد. من دوست داشتم به‌عنوان یکی ازساکنان این محله نشان دهم آدم‌هایی که پایین شهر زندگی می‌کنند حتما خلافکار ومشکل دار نیستند بلکه دراین محله‌ها آدم‌هایی که دغدغه فرهنگ دارند نیز هستند.

حالا که این همه به محله شیخ‌آباد ارادت دارید آیا کارخاصی برای مردمش انجام می‌دهید؟

من به هم محله‌ای‌ها اعلام کرده‌ام در ساعت‌هایی از شبانه روز که تاکسی سخت پیدا می‌شود اگر در خانه‌ام بیایند و بگویند حتما در خدمتشان هستم.

برگردیم به کارهایی که انجام می‌دهید. شما روی داشبورد کاغذی نصب کرده‌اید که رویش نوشته در ایام شهادت حضرت فاطمه(س) از خانم‌های باردار کرایه نمی‌گیرید. فلسفه این کار چیست؟

این کاغذ از روز وفات پیامبر(ص) تا پایان ایام شهادت حضرت فاطمه(س) یعنی نزدیك به صد روز در ماشین نصب است. علتش این است که من به اهل بیت(ع) ارادت خاصی دارم و زندگی‌ام را مدیون آنها هستم.

چرا ارادتان را به این سبك نشان می‌دهید؟

برای این که دوست دارم مردم به زندگی و نحوه شهادت حضرت فاطمه(س) فکرکنند و این واقعه را هیچ‌گاه فراموش نکنند.

امسال در این ایام آیا خانم بارداری در مسیرتان قرار گرفت؟

بله، دو نفر.

شما خودتان گفتید از این دو نفر کرایه نمی‌خواهید یا خودشان کاغذ را خواندند و کرایه ندادند؟

می‌دانید کرایه اصلا مهم نیست چون مبلغ زیادی نمی‌شود. مهم این است که به یك خانم باردار که حرکت برایش سخت است کمك کنیم. من خانم‌های باردار را تا مقصد مورد نظر می‌رسانم یعنی تا هرجا که آنها بگویند، کوچه خاکی و بالای کوه و زیرزمین هم فرقی ندارد.

علاوه بر این کاغذ، کاغذ دومی هم روی داشبورد شما نصب است که می‌گوید آدم‌هایی که پول همراهشان نیست می‌توانند کرایه ندهند و خجالت نکشند. داستان این کاغذ چیست؟

این کاغذ را نصب کردم تا هر کسی به هر دلیلی درلحظه‌ای که سوار تاکسی است اگر پول همراهش نبود خجالت نکشد و با آسودگی به مقصدش برسد چون همه ما چنین لحظاتی را تجربه کرده‌ایم.

چرا این تصمیم را گرفتید؟ تجربه خاصی داشته‌اید؟

قبل از این که این کاغذ را نصب کنم و اصلا چنین تصمیم بگیرم خانمی را از بنیاد سوار کردم و تا زنبیل‌آباد بردم. دیدم این خانم کیفش را بازکرد تا کرایه بدهد ولی پولی داخل کیفش نبود. این خانم تا موضوع را به من بگوید کلی خجالت کشید و با خودش کلنجار رفت و مدام عذر می‌خواست اما من به او گفتم ایرادی ندارد و بفرمایید. از همان روز تصمیم گرفتم این کاغذ را روی داشبورد نصب کنم تا هر کسی اگر به هر دلیلی پول همراهش نبود خجالت نکشد و نیازی به عذرخواهی نبیند.

هیچ‌وقت به این فکر کرده‌اید که ممکن است عده‌ای از کاغذ شما سوءاستفاده کنند؟

فرض کنیم همه افرادی که کرایه نمی‌دهند و می‌گویند پول همراهشان نیست دارند سوءاستفاده می‌کنند اما اگر میانشان فقط یك آدم آبرومند باشد، من به هدفم رسیده‌ام چون آبروی یك نفر ارزش این کار را دارد. من به کسانی که پول همراهشان نیست یك شکلات هم می‌دهم تا اصلا ناراحت و معذب نباشند. این را هم بگویم از وقتی این کاغذ را داخل ماشین چسبانده‌ام اصلا ضرر نکرده‌ام چون چند برابر آدم‌هایی که درطول ماه کرایه نمی‌دهند کسانی هستند که مبلغی پول به من می‌دهند تا کرایه افرادی که پول همراهشان نیست را حساب کنم.

مثلا چقدر می‌دهند؟

من ۵۰ هزارتومانی هم گرفته‌ام که یك استاد دانشگاه به من داد. من بخشی از این پول‌ها را صرف خرید کتاب برای تاکسی می‌کنم.

در طول یك ماه به طور میانگین چند نفر پول همراهشان نیست؟

این ماه چهار نفر، ولی کسانی که پول مازاد به من دادند یا بقیه کرایه شان را نگرفتند تا من صرف این کار کنم شاید ۲۰ نفر بودند.

امروز بعد از چهار سال فکر می‌کنید تاکسی کتاب به اهدافش رسیده؟

هدف من انجام کاری فراتر از وظیفه تاکسیرانی بود که از این بابت به خواسته‌ام رسیده‌ام. تا دو سال اول چند کتاب داخل ماشین بود که برخی آنها را ورق می‌زدند، اما بتدریج کارتوسعه یافت و به جایی رسید که کتاب کودك نیز برای هدیه دادن به بچه‌ها اضافه شد. به موازات این کار، طرح امانت کتاب را هم آغاز کردم که هرمسافری که از کتابی خوشش بیاید می‌تواند به‌مدت یك ماه آن را به امانت ببرد و در تاریخ مقرر جایی با او قرار می‌گذارم برای پس گرفتن کتاب. پس من به همه خواسته هایم در قالب تاکسی کتاب رسیده ام و امروز بهانه‌ای برای نخواندن کتاب در تاکسی کتاب پیدا نمی‌شود.

یادداشت
توکل واثقی
کارشناس آموزش و پرورش

مدرسه محوری شعار یا واقعیت؟

مدیریت چه به معنی عام و چه به معنای خاص تعاریف زیادی دارد. از مدیریت پیش دبستانی و دانشگاه که سر و کارشان با تعلیم و تربیت است گرفته تا شرکت‌های تجاری و سازمان‌های دولتی و غیردولتی همگی به وسیله مدیران اداره می‌شوند که هرکدام از این مدیریت‌ها، پیچیدگی‌ها و مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد. در این میان مدیریت دستگاه‌های تعلیم و تربیت فوق العاده مهم، ظریف و حساس است از این باب که همه کسانی که یك کشور را مدیریت و در آینده باید اداره کنند حتماً باید از فیلتر دستگاه‌های تعلیم و تربیت عبور کنند، بنابراین نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن عبور کرد یا نسبت به آن بی‌تفاوت بود یا با برنامه‌های غیراصولی و غیرکارشناسی اداره‌اش کرد.

اگر بخواهیم تعریف مختصری از مدیریت آموزش داشته باشیم، باید مدیریت آموزش را برنامه ریزی، هدایت، هماهنگی، رهبری، آموزش، هنر انجام دادن کار به‌وسیله دیگران و ارزشیابی فرآیند آموزش دانست. حال زمانی این‌گونه تعاریف علمی درمورد مدیریت آموزشی محقق می‌شود که مدرسه‌محوری درحد شعار نباشد و اختیارات مدارس به صورت واقعی تعریف شود تا مدرسه با توجه به موقعیت زمانی، مکانی، مالی و جمعیتی در چارچوب قانون برای خود برنامه سالانه تنظیم کند، نه این که وزارت آموزش و پرورش به صورت متمرکز برای همه مدارس فرم‌های کلیشه‌ای «برنامه سالانه طرح تدبیر» را نسخه پیچی و اعلام کند همه مدارس ابتدایی باید طبق این برنامه عمل کنند و بدتر این که سایت مربوطه نیز غیر از این برنامه کلیشه‌ای، برنامه دیگری را نپذیرد.

این سبك نسخه پیچی از اساس اشتباه است و اگر وارد ۱۱۰ بند جزئیات آن شویم، می‌توان برای هر بند آن جداگانه مطلب نوشت. البته موارد زیاد دیگری هم هست که ارتباطی به طرح تدبیر ندارد، ولی مورد تاکید آموزش و پرورش است مثلا این که وزارتخانه ۲۵ ساعت تدریس درسی درهفته را مقرر کرده در حالی‌که از این همه زمان فقط بخش اندکی به خود مدارس اختصاص یافته.

هدف نهایی آموزش و پرورش درهر جامعه‌ای این است که افراد مطابق ارزش‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن کشور تربیت شوند و انسان‌های تربیت یافته وارد جامعه شوند اما طبیعی است که در این مسیر ممکن است موانع و مشکلات زیادی به وجود بیاید. طرح تعالی مدیریت مدرسه نیز طبیعتا دنبال اهداف والایی بوده، اما گرفتار چالش‌هایی شده که یا باید از بین برده شوند یا به حداقل برسند.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#فرونشست-زمین
علیخانی از تهران:
باز هم فرونشست زمین و ایجاد حفره در منطقه مولوی تهران را شاهد بودیم. چرا مسؤولان شهری فکری به حال این موضوع نمی‌کنند تا با جان و مال مردم بازی نشود؟

#سرقت-خودرو
شمس‌الدین از تهران:
شب‌ها در خیابان خزانه و حوالی پارك ابریشم لوازم اغلب خودروها به سرقت می‌رود. نیروی انتظامی برای امنیت این منطقه تدبیری بیندیشد.

#کارگر-خارجی
کریمی از ورامین:
متاسفانه کارگران خارجی در بیشتر شهرك‌های صنعتی و کارگاه‌های تولیدی ورامین به علت کم بودن دستمزدشان، مشغول به کارند، در حالی که جوانان ایرانی بیکار و جویای شغل هستند.

#دولت-گرانی
صفری از گرمسار:
دولت محترم چرا فقط به فکر افزایش قیمت‌ها و دادن مجوز به گرانی‌هاست؟ چرا هیچ اقدامی بابت افزایش کیفیت کالاهای ایرانی صورت نمی‌دهد؟

#دلار-زندگی
شاهرخی از تهران:
با کاهش قیمت دلار فقط تلفن همراه اندکی کاهش قیمت داشت و هیچ یك از کالاها کاهش قیمت نداشته است. لازم به ذکر است که قرار بود لوازم خانگی نیز عقب‌نشینی قیمت داشته باشد که این وعده نیز کذب درآمد.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۱۲ آذر ۱۳۹۷ با عنوان «بزرگراه قم» مدیر روابط عمومی سازمان راهداری و حمل ونقل جاده‌ای وزارت راه و شهرسازی با ارسال نمابری اعلام کرد: در حال حاضر در مسیر رفت و برگشت آزادراه تهران - قم تعداد ده مجتمع خدماتی رفاهی درحال بهره‌برداری، تعداد دو مجتمع در حال ساخت وجود دارد، همچنین تعداد هفت فقره موافقت اصولی برای ساخت مجتمع‌های خدماتی - رفاهی صادر شده است که تعداد شش مجتمع در مسیر قم به تهران واقع شده است و محور یادشده از لحاظ توزیع و پراکنش از وضعیت مطلوبی برخوردار است و با بهره‌برداری از مجتمع‌های جدید در آینده نیز پیش‌بینی می‌شود شرایط مناسب‌تری برای رفاه هموطنان عزیز فراهم شود.